

گفت‌وگو
مهدی پورصفا

محمّد دهقان عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و نماینده مردم طبر قبه و چناران از نمایندگان است که در جریان مطرح شدن لوایح گوناگون برای مقابله با فساد نقش اساسی داشته است. از طر ح تشکیل سازمانی برای مبارزه با فساد تا مطرح اعاده دارایی مسئولان که در نهایت با رأی نمایندگان به نتیجه نرسید. گفت‌وگوی ما از به نتیجه نرسیدن برخی از طرح‌ها شروع شد با بررسی FATFادامه یافت

و با شرایط حاکم بر کشور و چگونگی غلبه بر تحریم‌ها تمام شد، آنچه در پی می‌آید حاصل این گفت‌وگو است که با هم می‌خوانیم.

■ ■ ■

آقای دهقان! بگذارید از نقش خود مجلس برای مبارزه با فساد شروع کنیم. به‌رغم اینکه مجلس نقش نظارتی را در مبارزه با مفاسد اقتصادی دارد اما به نظر می‌رسد پیگیری این مباحث در مجلس به جایی نرسیده و به نوعی عقیم مانده است. شما فکر می‌کنید نقص این امر در چیست؟

ما در زمینه مبارزه با فساد قطعاً مشکل قانونی داریم. یعنی اگر بخواهد مبارزه جدی با فساد صورت بگیرد چند حلقه یا یک سلسله از قوانین باید تصویب و اجرا شود.

مهم‌ترین عامل پیشگیرانه از فساد شفافیت است. اگر همه چیز در داخل کشور شفاف باشد به صورت طبیعی جلوی فساد گرفته می‌شود.

مسئله‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که اگر چه ما قانون در باره مبارزه با فساد کم نداریم اما عملاً این قوانین اجرایی نمی‌شوند، حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا جریان‌هایی در مجلس اجازه مطرح شدن این طرح‌ها را نمی‌دهند یا اینکه ضعف به خود طرح‌ها بازمی‌گردد؟

این شفافیت باید خود را در درآمدها، دارایی مسئولان، آرای نمایندگان و آرای هیئت وزیران و آرای سایر دستگاه‌ها همانند تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان نشان دهد. شفافیت مهم‌ترین عامل مبارزه با فساد است چراکه موجب ایجاد نظارت همگانی بر گرفته از قانون اساسی می‌شود. قانون اساسی در اصل ۸۸ خود بر وجود نظارت همگانی اشاره دارد. در نظر نگهبانی آطور که در قانون اساسی آمده وجود داشت و شفافیت در ابعاد مختلف در کشور نهادینه نشود، در آن صورت بخش مهمی از مشکلات نظارتی اقتصادی و فساد اقتصادی که اکنون در کشور داریم را نخواهیم داشت.

آیا ممکن است سیستم اجرایی و قضایی قادر به نظارت بر اجرای در ست مبارزه با مفاسد اقتصادی نباشد؟ یا توجه به سابقه طولانی ۱۲ ساله‌ای که در مجلس داشتید، این امر را چطور ارزیابی کرده‌اید؟

شفافیتی که منجر به نظارت همگانی می‌شود، موجب کاهش هزینه‌های نظارت حکومتی است. در شرایط کنونی سازمان‌هایی همانند سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، وزارت اطلاعات در بعد نظارتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در جایگاه‌های نظارتی فعالیت دارند اما شما ببینید که این میزان دستگاه‌های نظارتی در کشور داریم و اگر شفافیت یا نظارت عمومی وجود داشته باشد، به این میزان افراد برای نظارت نیاز نداریم. معلا هر ساله هزینه‌های سنگین صرف می‌شود تا فساد و سوءجریان در اجرای قانون اتفاق نیفتد. بودجه‌های کشور به جای ناصواب و نامطمئن و به جای مسائل غیر اولویت‌دار و غیرقانونی هزینه نشود. این اقدامات سازمان‌هایی است که از آنان یاد بردم اما چرا این میزان فساد با وجود این همه هزینه وجود دارد؟

دقیقاً چرا مبارزه با فساد تا این میزان پیچیده و مشکل می‌شود؛ گاهی دیده می‌شود اراده جدی برای اجرای شدن این مسئله هم وجود دارد اما در روند اجرا کار به مشکل می‌خورد، دلیل این مسئله چیست؟

بر مشکل است؟ چون وقتی بحث فساد مطرح می‌شود پای انسان‌های قدرتمند در میان است. افراد ثروتمند، قدرتمند نیز هستند. افرادی که یک پای آنها درون قدرت و یک پای آنها بیرون قدرت است و یک دست در ثروت و یک دست در قدرت دارند. با این افراد نمی‌توان به‌راحتی با یک پلیس معمولی و یک قاضی معمولی مبارزه کرد. نمی‌توان کسی که موتور از سر خیابان درزیده است با کسی که چندین میلیارد دلار پول را جابه‌جا کرده است، در یک سطح قضاوت شوند و یک قاضی این دورا محاکمه کند. این چنین نیست.

کسی که موتور از سر خیابان درزیده است، پشتیبانی ندارد. قاضی می‌آید و سریع او را به زندان می‌اندازند. محاکمه هم نمی‌کنند و همینطور در زندان نگه می‌دارند. آنقدر نگه می‌دارند تا موتور و دزدی را فراموش کنند، اما در رابطه با فردی که چندین میلیارد دلار را جابه‌جا کرده است، باید گفت که در این مدت فساد ارزی که در کشور ایجاد شد میلیاردها دلار پول به افرادی داده شد که معلوم نیست این پول‌ها را چه کردند. اینها افراد قدرتمندی هستند و با قاضی و پلیس معمولی نمی‌توان با آنان برخورد کرد. به محض اینکه انگشت اتهام کسی به اینها نزدیک شود، صد زنگ برای آنها می‌خورد.

آیا تشکیل نهاد یا سازمان تخصصی برای مبارزه با فساد که شما به آن اشاره کردید، در دنیا نیز مسبوق به سابقه است؟

بله، همانطور که به آن اشاره کردم برای مبارزه با فساد تشکل و گروه و یک سازمان و آژانس تخصصی نیاز است و این در دنیا تجربه شده است. اکثر کشورهای دنیا یک سازمان تخصصی دارند که هیچ کاری جز مبارزه با فساد نداشته باشد.

کار مبارزه با فساد مستلزم کار پلیسی و قضایی است. کسانی که وظیفه مبارزه با فساد دارند کار آنان پلیسی – قضایی است و حتی می‌توان گفت پلیسی – امنیتی – قضایی است. بازرسی کل کشور هیچ کدام از این سه



در گفت‌وگوی «جوان» با عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بررسی شد

یک پای مفسدان اقتصادی درون قدرت است!

جنس این دولت مبارزه با فساد نیست و چون یک پای مفسدان ثروتمند درون قدرت است با یک پلیس و قاضی معمولی نمی‌توان با آنها مبارزه کرد

◊ ◊ ◊

کارکرد را ندارد. یعنی نه کار پلیسی و قضایی دارد و نه اجازه کار امنیتی دارد. سازمان بازرسی کل کشور یک نهاد نظارتی برای نظارت بر حسن اجرای کل قوانین کشور است. یک کار عام نظارتی دارد. فقط یک چیز هست و یک جایی که به فساد برخورد کند و مواجه با فساد شود اطلاع به قوه قضائیه می‌دهد. گزارشی برای این قوه می‌نویسد. ما در گذشته خیلی تلاش کردیم که این قدرت بازرسی کل کشور را احیا کنیم ولی با منع شورای نگهبان مواجه می‌شیم. آنها معتقد هستند بازرسی کل کشور نه کار پلیسی و نه کار قضایی می‌تواند کند و به نظر من از نظر قانون اساسی هم این نظر درست است.

حتی گفتم قانونی تصویب نشود تا اینها به عنوان مدتی العموم در دادگاه حاضر شوند، شورای نگهبان قبول نکرد و گفت اینها ربطی ندارند که کار قضایی کنند. اینها باید گزارش بنویسند. گزارشی را دو سال پیگیری می‌کنند و به قوه قضائیه می‌فرستند و به‌دست دادگاه می‌رسد و قرار منع تعقیب صادر می‌شود. یعنی اوضاع با بازرسی کل کشور ما همین است. ما ۴۰ سال است این سازمان را داریم و تلاش‌هایی هم شد تقویت شود اما به هر دلیلی نشد به ویژه دلیل اصلی این است که کار کرد پلیسی، اطلاعاتی و قضایی ندارند.

این یکی از بندهای FATF است که باید نهاد مستقیم داشته باشید که شفافیت ایجاد کند. نهاد مشخصی در پولشویی و فساد داشته باشید.

یکی از الزامات FATF برای کشورهای دنیا پیوستن به کنوانسیون مبارزه با فساد است. ما قبل از اینکه الزامات FATF را بپذیریم در مجلس هفتم یعنی ۱۳۸۲ یا ۱۳۸۴ یعنی در نیمه اول دهه ۸۰، به کنوانسیون مبارزه با فساد پیوستیم و در مجلس تصویب کردیم ولی اسم FATF را نشنیده بودیم. اصلاً موضوعی به نام FATF در ذهن ما وجود نداشت ولی ما کنوانسیون مبارزه با فساد را در مجلس تصویب کردیم. با اشتیاق به این پیوستیم و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نظر ما را پذیرفت و این قانون ماست. اتفاقاً در کنوانسیون که کار خوبی بود برای مبارزه با فساد اعتقاد داشتیم، بر خصوص مبارزات با پولشویی یکسری از الزاماتی که FATF داده است ما مخالف نبودیم و از قبل هم اجرا می‌کردیم. همانند پولشویی که از سال ۸۶ قانون آن تصویب شد و الان هم اصلاح کردیم. اینکه در داخل کشور با جدیت با پولشویی مبارزه کنیم اعتقاد داریم و قانون تصویب کردیم آن زمان اصلاح‌طلبان که الان خیلی طرفدار FATF هستند، نبودند و ما این را تصویب کردیم.

پس معتقدید اولین قدم را مجلس اصولگرا برداشته است؟

بله. مجلس هفتم هم قانون مبارزه با پولشویی را تصویب کرد و هم کنوانسیون مبارزه با فساد را



جنس این فساد عریان

نمی‌کنند اطلاعات اقتصادی خود را در اختیار دشمن بگذارید چون وقتی در جنگ اقتصادی اطلاعات را در اختیار دشمن گذاشتید دشمن شما تحریم‌ها را هوشمند می‌کند.

نقطه‌ای شما را می‌زنند. همانند جنگ نظامی که وقتی اطلاعات جنگی را در اختیار دشمن قرار دادید راحت‌تر شما را می‌زنند. الزامات FATF حلقه تکمیلی نقشه امریکا برای قفل کردن اقتصاد کشور و زمین‌گیر کردن اقتصاد کشور است. مسئله FATF مسئله سیاسی نیست، مسئله FATF مسئله اقتصادی برای قفل کردن اقتصاد کشور و به زانو در آوردن مملکت است و برای اینکه کشور را به راحتی بتوانند تسلیم امریکا کنند. این برنامه FATF است والا شدیدا با شفافیت موافق هستیم و ما برچمدار این امر هستیم.

به نظر می‌رسد اراده کافی بین مسئولان برای مبارزه با فساد وجود ندارد. به خصوص اینکه در دولت دوازدهم اتفاقات جدی در حوزه اقتصادی روی داده که نیاز به شفافیت را دو چندان کرده است که مسئله ارز یکی از آنها بود.

واقعیت این است که ما در کشور نیازمند یک تحول جدی هستیم. این تحول جدی بدون پشتیبانی شخصیت‌های برجسته کشور و مسئولان برجسته کشور میسر نمی‌شود. اینها با شعار و حرف زدن نمی‌شود. رئیس جمهور بسیار می‌تواند در تحول مؤثر باشد. رئیس‌جمهور کشور اختیارات وسیع و نفوذ بالایی در کشور دارد و هر موقع هر رئیس‌جمهوری روی کار می‌آید بخش مهمی از مجلس را در اختیار می‌گیرد و این یک قاعده بوده است، لذا شخص رئیس‌جمهور در هر دوره‌ای در ایجاد رویکرد، تحول و خط مشی‌گذاری جدید در کشور مؤثر است. قانون اساسی هم این را پیش‌بینی کرده است. منتها آقای رئیس‌جمهور فکر نمی‌کنم اصلاً در این مسئله وارد شوند.

می‌خواستیم به FATF رأی بدهیم گفتم رأی ابتدا معلوم و علنی شود. همان ۱۲۰ نفری که در مخالفت با FATF رأی دادیم، ۱۱۷ رأی دادیم که رأی ما شفاف شود. رأی به شفافیت از ۱۱۷ رأی بود. تقاضا کردیم هر کس می‌خواهد به CFT رأی بدهد شفاف باشد. هر رأیی می‌دهید باید شهادت داشته باشید از رأی خود دفاع کنید. حاضر نشدن رأی خود را درباره CFT شفاف کنند. درباره طرح مبارزه با فساد هم گفتم رأی شفاف باشد و رأی به شفافیت ندادند ولیکن رأی دادند این از دستور خارج شود.

مبارزه با فساد به ادعای نمی‌شود. در این بزنگاه‌ها معلوم می‌شود چه کسی اهل مبارزه با فساد است و چه کسی با فساد ملاحظه‌کاری می‌کند. در این بزنگاه‌ها معلوم می‌شود چه کسی اهل شفافیت است و چه کسی اهل شفافیت نیست. یعنی آقایانی که ادعای شفافیت در عرصه بین‌المللی دارند و این ادعای آنها در عرصه بین‌المللی واقعیت دارد یعنی هر چه امکانات و اطلاعات کشور در اختیار بیگانگان قرار می‌گیرد در داخل کشور به هیچ وجه تن به شفافیت نمی‌دهند. تمام قراردادهایی که با خارجی‌ها می‌نویسند را مهر محرمانه می‌زنند که کسی نفهمد.

در اختیار مجلس هم قرار نمی‌دهند؟

توتال یک قرارداد نفتی بود. یک شرکت فرانسوی – امریکایی است. برای اینکه با ایران قرارداد ببندد از امریکا مجوز گرفت. برای قرارداد با ایران از امریکایی‌ها اجازه گرفت. تمام اطلاعات نفتی ما را در اختیار خود گرفت. در میدان مشترک ما با قطر که قطر شریک ما بود. قراردادی که با توتال بستند را گفتم بدهید بخوانیم، ندادند.

به دادستان کشور زنگ زدم و گفتم شما این قرارداد را خواندید؟ گفت به من هم نمی‌دهند بخوانم. این ضعف دادستان است که این میزان زور را نمی‌رسد قراردادی که با متافع ملی سرو کار دارد را بخواند. قرارداد را به او ندادند که بخواند.

در حالی که دادستان کل کشور مسئول نظارت بر قراردادهای نفتی است، به او هم ندادند. مردم هم هیچ اطلاعی ندارند. نفهمیدند این توتال چه بود و چه امضایی شد و چرا آمد و چرا رفت. کلیات را فهمیدیم که امضا شدن ناشی از ساده‌اندیشی و خوش‌بینی نسبت به غرب و امریکا و اروپا بود و می‌خواستند بگویند برجام به نتیجه رسیده و این حاصل برجام است و قراردادی امضا کردند که محتوا را فقط خود مطلع هستند.

رفتن آن هم به خاطر این بود که امریکا از برجام خارج شد و این شرکت هم رفت. این چه بود و می‌گویم باید رأی نماینده شفاف باشد و نماینده شجاعت و شهادت داشته باشد که رأی خود را شفاف کند. اینها به رأی شفاف رأی نمی‌دهند. در روزی که



خود را اداره می‌کنند؟ یک سال در زیرمجموعه شما خلاف و فساد می‌شود ولی متوجه نمی‌شوید؟! معاون خودتان با دالی سه لایه فساد می‌کنند و شما متوجه نمی‌شوید؟

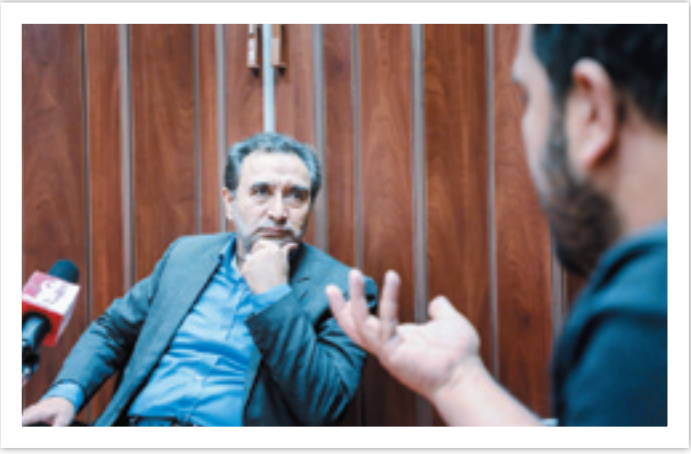
از این دولت انتظار ندارم در این مسائل تدبیر داشته باشد یا سالم باشد. خیلی انتظار نداریم اینچنین رفتار کنند با توجه به وضعیت زندگی که دارند و با ثروتی که خیلی از اینها جمع کردند. همه دولت را هم منتهم نمی‌کنم. تیمی که بر کشور حاکم است را منتهم نمی‌کنم بلکه بخشی که دچار دنیاپرستی حاد و گرفتار دنیا شدند و جز پول هیچ چیزی نمی‌فهمند از اینها انتظار نیست.

از قوه قضائیه انتظار است. بازرسی کل کشور کجاست؟ دادستان کل کشور کجاست؟ اینگونه جاها باید حاضر باشند. بعد از اینکه همه عالم فهمیدند اینها بخواهند سخنرانی کنند ارزشی برای ما ندارد. بازرسی کل کشور متناسب با این اوضاع کشور نیست. اینها همانند افراد خواب آلوده با اوضاع کشور برخورد می‌کنند. مجموعه‌ای درون دولت گرفتار تبلی و بی‌تدبیری هستند و قوه قضائیه باید مراقب باشد تا این بدبختی در کشور درست شود.

سؤال آخر. امروز شرایط خاصی بر کشور حاکم است و بسیاری معتقدند کشور در یکی از مقاطع حساس خود قرار دارد. انتظارات فراوانی از دولت برای حل مشکلات فعلی وجود دارد که هنوز بر آورده نشده است. در یک نگاه کلی چگونه می‌توان بر مشکلات فعلی کشور غلبه کرد و شرایط را به سمتی معیشت مردم کاسته شود؟

به نظم کشور دچار مشکلات زیادی است و بخشی مربوط به گذشته است، بخشی مربوط به تصمیمات پنج ساله اخیر است و بخشی هم ناشی از فشارهای امریکاست و انصافاً همه اینها اثر گذاشته است. اگر تحریم امریکایی‌ها نبود دولت کارهای خود را انجام می‌داد. اشکال از دولت است، چرا که خوش‌بینانه با موضوع امریکایی‌ها مواجه شد.

بخشی از این مشکلات ناشی از فشارهای امریکاست و بخشی ناشی از بی‌تدبیری دولت است، چراکه به شدت راجع به ارتباطات با امریکایی‌ها خوش‌بین بودند، یعنی در این مدت همه انرژی خود را درباره مسائل خارجی صرف کردند. دیپلماسی خارجی ظرفیتی از کشور بود که باید کار خود را می‌کرد ولی مسائل



اقتصادی را نباید به مسائل دیپلماسی خارجی گره بزنند. این اتفاق افتاد و پنج سال کشور رکود بی‌سابقه‌ای داشت. این رکود چرا ایجاد شد؟ چون مدتی گفتمند توافق هسته‌ای به نتیجه برسد همه مشکلات حل می‌شود و همه منتظر بودند توافق هسته‌ای به نتیجه برسد.

حتی مردم عادی می‌گفتند صبر کنیم این توافق به نتیجه برسد تا ببینیم چه اتفاقی رخ می‌دهد. طرف می‌خواست چیزی به برای دختر خود بخرد می‌گفت این توافق هسته‌ای چه زمانی تمام می‌شود که چیزی به تهیه کنیم. فکر می‌کردند اگر توافق هسته‌ای این اتفاق می‌شود، همه اینها بی‌تدبیری بود که همه مسائل را گره زدند و مردم را انتظار معطل توافق هسته‌ای کردند.

توافق هسته‌ای تمام شد، انتخابات ریاست جمهوری امریکا شروع شد. گفتند اگر بباییم برجام را پاره می‌کنیم، باز همه منتظر بودند این رئیس‌جمهور می‌شود یا خیر. همه سرمایه‌گذاران معطل ماندند کما اینکه از قبل هم معطل بودند. کشور را معطل انتخابات امریکا کردند. انتخابات تمام شد این افسار رئیس‌جمهور شدند. یک عده در داخل نزدیک بود غش کنند که چرا این آقا رئیس‌جمهور شده است.

خود کار را معطل موضوعات خارجی کردند. یکی از اعضای وزارتخانه کشور می‌گفت فلان مقام وزارت خارجه وقتی انتخابات امریکا انجام شد و ترامپ رأی آورد رنگ و روی او در وزارتخانه رفته بود. حال او شد که چرا ترامپ رأی آورده است. بعد از این همه منتظر بودند برجام را پاره می‌کنند یا نمی‌کنند. باز مدتی صبر کردند که برجام پاره می‌شود یا نمی‌شود. پنج سال کشور را معطل کردند. ترامپ گفت من ببایم برجام را پاره می‌کنم. حداقل شما خود را آماده می‌کردید. تا آن زمان خوش‌بین بودید. همین آدمی که مقابل برجام ایستاده اعلام کرده است، شما خود را برای این آماده می‌کردید. امیدواریم این روند در ادامه اصلاح شود.

ممنون از وقتی که برای ما گذاشتید.